

متن پرسش

سلام علیکم: «فاقتلوهم حیث ثقتموهم» «واقتلوهم حیث وجدتموهم» «فان قاتلوکم فاقتلوهم» ... نصرت الهی در جنگ زمانی نازل می شود که دستورات جنگی باری تعالی اجرایی شود و ترس یا محافظه کاری در جنگ مانع نصرت الهی هست. اگر دشمن رهبر ما را ترور کرده است و ناو دناى ما را زده است؛ احتیاط در زدن ناو دشمن و صرفاً فراری دادنش با پهباد و تیرهای اخطار به جهت عصبانی نشدن او از کشته های زیاد و عدم گسترش جنگ، خلاف نص دستور الهیست. چرا دشمن باید روی جان تک تک سربازان خویش اینگونه حساس باشد و ما تعدد کشته های خویش را هضم می کنیم؟ گویا بین فرهنگ شهادت و ارزش گذاری و حساسیت بر جان ها خلط کرده ایم که خود جای بحث مفصل دارد، حال آنکه دو مقوله مثبت ولی جدا از همند. دستور الهی می گوید وقتی دشمن ضربه ای می زند باید او را دنبال کرد و همان ضربه و یا دردناک تر از آن را به او وارد کرد. رهبر شهید فرمود خطرناک تر از ناو آن سلاحی است که آن را به اعماق دریا می فرستد؛ تازه آنکه آن زمان ناوی از ما زده نشده بود چه رسد به الان ... آیا تمرد از دستور الهی و تصمیم بر اساس حساب کتاب های روی کاغذ اگر غضب الهی را به همراه نداشته باشد حداقل نصرت او را مانع نخواهد شد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این نکته که قرآن عزیز می فرماید، بحثی نیست. بحث در آن است که اگر با همه جنایتکاری اظهار آتش بس کرد برای مذاکره، و حيله گرانه هم چنین پیشنهادی را مطرح کرد، باید بپذیریم و نشان دهیم توان احقاق حق حتی در مذاکره در عین اقتدار را داریم و یا نباید مذاکره کرد. این است تفاوت دو جریانی که یک جریان، موافق مذاکره است با آن ده شرطی که ذیل نظر رهبر معظم انقلاب ما گذاشتیم و عده ای که مخالف آن هستند. که البته باید بدون اتهام به هر کدام و بدون اختلاف، به هر دو نظر فکر کرد. امری که رهبر معظم انقلاب بر آن تأکید دارند. موفق باشید